

طبعاً بیرون آید و بر آن چیره شود و امروزه این رابطه به برخورد متقابل و تأثیر و تأثر منطقه و ...

نوع پوشش نباتی و نقش اقتصادی و درمانی آنها در بلوچستان

دکتر حسین نگارش

استادیار جغرافیا، دانشگاه سیستان و بلوچستان

چکیده

درخت در قلمرو جغرافیایی ایران اختصاص به محدوده‌های خاصی دارد و منطقه بلوچستان با توجه به دارا بودن اقلیم خشک، بهره‌چندانی از آن نبرده است. در جغرافیای دیرینه ایران، نواحی جنوبی کشور - از جمله منطقه بلوچستان - نباتاتی نظیر نباتات هند و مالزی کنونی را داشته است؛^(۱) اما به مرور زمان ساکنین فعلی منطقه و اکثر قسمت‌های ایران از این نعمت خداوندی محروم شده‌اند.

درخت در بلوچستان تنها یک عامل سایه‌انداز، که جلو تابش شدید نور خورشید را می‌گیرد، نیست؛ بلکه علاوه بر نقش اقتصادی و صنعتی، در تلطیف هوای پیرامون خود مؤثر است. به همین سبب در باره‌ای از مناطق ایران، بخصوص در سواحل دریای عمان و بلوچستان، درختان باعث توسعه صیفی‌جات، که در زیر سایه آنها کاشته شده‌اند، گردیده‌اند. البته فقر پوشش نباتی به هر دلیل که باشد، از قدیم به عنوان داغی بر پیشانی بلوچستان باقی مانده و خشکی و کم‌درختی با نام آن عجین شده است؛ ولی بدون تردید همین درختان پراکنده هم نقش اقتصادی و درمانی قابل توجهی در زندگی روزمره مردم بلوچستان دارند.

واژه‌های کلیدی: جنگل، رستتیا، روابط متقابل انسان و محیط، صمغ و رزین، تانن، روغن و عصاره، ایاف، خاصیت دارویی و درمانی، سوخت و تهیه ذغال.

... (فصلنامه علمی-پژوهشی جغرافیا و توسعه، شماره ۱، زمستان ۱۳۸۵)

مقدمه

آیا تاکنون لحظه‌ای با خود اندیشیده‌ایم که واقعاً بشر از چه زمانی درخت، جنگل و سایر نباتات روی کره زمین را شناخت و مورد استفاده قرار داد؟! ظاهراً در ابتدای امر پاسخ به این سؤال کار دشواری به نظر می‌رسد؛ اما اگر نگاهی به تاریخچه کوتاه پیدایش بشر بر روی زمین بیندازیم؛ به این نکته واضح پی خواهیم برد که وجود نباتات به معنای عام کلمه، به میلیونها سال قبل از آفرینش انسان برمی‌گردد؛ زیرا که انسان محصول دوره کواترن است، در صورتی که در ادوار گذشته زمین‌شناسی مثل کربونیفر، ژوراسیک... جنگل‌های پرپشت و انبوهی بر روی کره زمین وجود داشته است.

پیدایش انسان اولیه بر روی زمین و نیازهای حیاتی او باعث گردید که از امکانات جنگل و سایر نباتات برای رفع احتیاجات اولیه خود، از قبیل پوشاندن بدن، تهیه سوخت، ساخت مسکن، تهیه غذا و... استفاده نماید و از آن زمان به بعد، روز به روز بر تعداد نیازهای بشر و وابستگی او به گیاهان افزوده شده و روابط آنها پیچیده‌تر گردیده است. اما امروزه این روابط چگونه است؟ آیا واقعاً انسان محتاج به گیاهان است یا گیاهان نیازمند به حمایت بشر هستند؟ گویند یوری گاگارین، اولین فضانوردی که کره زمین را از فضا می‌دید، پیش از آنکه گردی زمین را تأیید یا رد کند، زیبایی آن را از دور دست فضا ستود. این زمین زیبا، مخزن حمایت‌کننده پدیده‌های شگفتی است که دائم و بی‌وقفه دست‌اندرکار آفرینش زندگی برای تمام موجودات زنده است.^(۲) اما باید پرسید که آیا این زیبایی و آفرینش حیات، همیشگی است یا خیر؟ بنابراین بشر امروزی باید در رابطه با آن به تأمل بیشتری بپردازد.

روابط انسان و طبیعت

اصولاً از آغاز پیدایش بشر تا امروز، همواره رابطه‌ای متقابل و یا به عبارتی دیگر، بستگی و وابستگی بین انسان و محیط برقرار بوده و طی هزاران سال، این روابط دچار تغییراتی گردیده است. گاه انسان به خاطر فقر اطلاعات علمی، تحت سیطره محیط طبیعی قرار می‌گرفت؛ اما بتدریج با پیشرفتهای علمی، این رابطه معکوس شد و انسان توانست تا حدی از محکومیت

طبیعت بیرون آید و بر آن چیره شود و امروزه این رابطه به برخورد متقابل و تأثیر و تأثر منطقی و دوطرفه تبدیل شده و به نوعی تعادل رسیده است.

البته ناگفته نماند که انسان به خاطر نیازهای حیاتی، و گاهی منافع اقتصادی، دست به دستکاری طبیعت می‌زند و بدیهی است که در مواقعی سبب بهبود و در مواردی هم باعث تخریب آن می‌شود؛ زیرا که انسان امروزی نسبت به انسانهای نخستین از امتیاز علم و تکنولوژی برخوردار است و اصولاً موجودی ابزارساز است؛ بنابراین چیره شدن انسان بر طبیعت، در اکثر مواقع، امری بدیهی است و در تأثیر و تأثر متقابل این دو رکن مهم جغرافیا (انسان و محیط) شکی وجود ندارد.

در روزگاران قدیم که تعداد انسانها اندک بود، اگر انسان درختان را قطع می‌کرد و دست به تخریب جنگل می‌زد، یا به شکار حیوانات می‌پرداخت و یا در حد ابتدایی به مصرف یا آلوده کردن آنها می‌پرداخت ...، به دلیل اینکه حجم بهره‌برداری یا تخریب کم بود و موجب از بین رفتن جنگل‌ها و حیوانات نمی‌شد، خسارات وارده به وسیله خود طبیعت و محیط قابل جبران بود؛ اما با بروز انقلاب صنعتی و پیشرفت تکنولوژی در قرون اخیر و افزایش دائم التزاید بشر از یکسو و کاهش جنگل‌ها از سوی دیگر، متأسفانه این فرایند به هم خورده و در اکثر نقاط، انسانها وارد مرحله اقتصاد تخریبی شده و فرصت جبران را از طبیعت سلب کرده‌اند. بنابراین انسان از محیط پیرامون خود جدا نیست و به تعبیری، انسان جزء طبیعت و از جنبه‌ای صاحب طبیعت است. به عبارت دیگر، انسان هم مالک طبیعت است و هم مملوک آن. او در این نظام هم نافذ است و هم تحت نفوذ؛ هم دهنده است و هم گیرنده؛ هم مؤثر است و هم تحت تأثیر و در یک کلام، روابط انسان و محیط به قدری پیچیده است که نمی‌توان او را از کل مجموعه محیط بیرون کشید و به‌طور جدا و انتزاعی به او نگریست؛^(۳) زیرا که انسان هم پرورش یافته محیط است و هم خود محیط‌ساز است و محیط پیرامون خویش را بر اساس امکانات و درک و شعور خود می‌سازد.

تاریخچه‌ای از رستنیهای زمین

سطح زمین از آغاز برای زیستن موجودات، اعم از نباتی و حیوانی، آماده نبوده و این

استعداد یکباره بدان تفویض نشده است. حیات در روی زمین به تدریج و در طی قرون متمادی ایجاد شده است. در ادوار ازلیه، محیط زمین برای نشو و نمای رستنیهای فعلی به هیچ وجه آمادگی نداشت. سطح زمین را پوسته نازکی از نباتات پست، چون قارچها و خزه‌ها و جلبکها پوشانده بود. ولی به تدریج محیط دگرگون شد و تغییری فاحش رخ داد و به جای آن همه نباتات پست، رستنیهای عظیم بر زمین ظاهر شد و جنگلهای انبوه از درختان سرخس به وجود آمد.... قرون متمادی گذشت؛ رفته رفته بشر به کشت و زرع پرداخت و امر کشاورزی رونق گرفت. درست معلوم نیست در چه تاریخ و با چه وضعیتی نخستین زمین زیر کشت قرار گرفت و زراعت آغاز گشت. اندک اندک انسان در این زمینه به پیشرفتهایی نائل شد و تجربیاتی آموخت. بر اثر تقلیل مساحت جنگلها، اختلالات تدریجی در محیط و آب و هوا پدیدار شد. قهر طبیعت، نه به صورتی که بشر اولیه تصور می کرد؛ بلکه به صورتی دیگر نمودار گشت. سیل و خشکی افزایش یافت و حیات بشر را مورد تهدید قرار داد. سطح جنگلها از آن زمان به بعد رو به کاهش گذاشت و این کاهش تا آغاز تحولات صنعتی و پس از آن، تا مرحله شهرنشینی، که عصر حاضر است، ادامه یافت. از آن زمان تاکنون بشر پیوسته از وسعت جنگلها کاسته است. مثلاً بیش از نصف جنگلهای آمریکا بعد از کشف این قاره مورد تجاوز قرار گرفته و کشور انگلستان نیز ۹۵ درصد از جنگلهای خود را از بین برده و به زمین زراعتی و چراگاه و بوتهزار تبدیل کرده است.... (۴)

تاریخچه پوشش جنگلی ایران

همان طور که اشاره شد، روند کاهش سطح جنگل در اکثر نقاط دنیا نسبت به گذشته رو به فزونی است. در ایران نیز وجود عوامل مختلفی وضع محیط را تغییر داده و سطح جنگلهای کشور به میزان قابل توجهی تقلیل یافته است. هجوم قبایل مختلف اجنبی به ایران و بی اعتنائی آنان به منابع طبیعی این کشور، جهل و بی اطلاعی مردم و چرای دام و قطع نادرست و مداوم درختان جنگلی باعث شده است که قسمت عمده خاک این کشور، بی آب و علف و بایر بماند و حدود $\frac{2}{3}$ این سرزمین به مناطق خشک و نیمه خشک تبدیل شود. هر چند موقع جغرافیایی و اقلیمی و

جریان بادهای نامساعد در بیابانها و کویرهای مرکزی ایران تا حدی موجب خشکی این ناحیه شده است؛ ولی از طرف دیگر نیز مسلم است که دست بشر و عواملی که به آنها اشاره شد، در ویرانی جنگلها و توسعه بیابانها سهم بسزایی داشته‌اند. سرزمین ایران در چند قرن قبل بسیار آباد و سرسبز بوده است. اگر به تاریخ نگاه کنیم، از خشکی کنونی نقاطی که در گذشته سرسبز بوده‌اند، دچار تعجب و حسرت خواهیم شد.

ناصرخسرو در سفرنامه خود و یاقوت حموی در کتاب معجم البلدان و ابن بطوطه و ابن خلدون و جهانگردان اروپایی، همگی اشاره به سرسبزی این سرزمین کرده‌اند. اینان در طول سفر از زیر سایه درختان عبور می‌کردند و حرارت آفتاب را در خراسان و کرمان و حتی در خوزستان احساس نمی‌کردند. دامنه جنگلهای کویر در گذشته وسیعتر از امروز بود و شنهای روان چندان گسترش نیافته بود. یاقوت حموی در هشت قرن قبل، قسمت وسیعی از بیابانهای فعلی اطراف کرمان را زیر کشت درختان زیتون ذکر کرده است و نیز مارکو پولو جهانگرد ایتالیایی که در هفتصد سال پیش، از ایران گذشته، همین نظر را تأیید کرده و از جنگلهای انبوه و زیبای بین یزد و کرمان، که امروز بیابانی لم یزرع و بی آب و علف پیش نیست، نام برده است.^(۵)

شاید این جنگلهای انبوه و زیبا، بر اثر حمله و تاخت و تاز مغول‌ها رو به ویرانی گذارده و مردم نیز بعداً به عوض آنکه آنها را ترمیم کنند، خرابتر کرده‌اند. بدین گونه پوشش خاک از بین رفته و در معرض فرسایش قرار گرفته و در عوض بیابان خشک و ماسه روان به جای مانده است. از بین رفتن جنگل و درخت در مناطق کوهستانی به تدریج در وضع آب و هوا و بارندگی تغییراتی ایجاد کرد و در ظرف مدت کوتاهی، مرتع جای جنگل را گرفت و آن مراتع سرسبز و خرم نیز سرانجام بر اثر چرای مفرط دامها به بیابانهای خشک تبدیل شد. دامداران بدون توجه به ظرفیت مراتع و میزان علوفه، گله‌های بزرگی را در مراتع به چرا واداشته و آن پوشش سبز علوفه را که خود از نرسایش خاک جلوگیری می‌کرد، از بین بردند.^(۶)

روند تغییر و تحولات پوشش نباتی ایران را در گذشته بررسی کردیم؛ حال بینیم وضعیت کنونی این روند در ایران چگونه است؟ بر اساس آمارهای موجود، وسعت جنگلهای ایران در سال ۱۳۴۲ برابر ۱۸ میلیون هکتار بوده که ۱۱ درصد مساحت کل کشور را تشکیل می‌داده؛ در حالی که

طبق برآوردهای کارشناسان، وسعت جنگلهای ایران در حال حاضر ۱۲/۴ میلیون هکتار تخمین زده می‌شود. مساحت جنگلها و مراتع نسبت به گذشته کاهش فاحشی یافته است؛^(۷) به طوری که فقط در شمال کشور مساحت جنگلها از ۳/۴ میلیون هکتار در سال ۱۳۴۱ به ۱/۸ میلیون هکتار در سال ۱۳۵۶ کاهش یافته است، و این در حالی است که "بوپک"، جغرافیدان آلمانی، مساحت جنگلهای ایران را در دو مزار سال قبل، قریب ۸۰ میلیون هکتار برآورد کرده است.^(۸) در صورتی که بر اساس آمارهای موجود، با توجه به اینک وسعت ایران تقریباً در برابر کشور ترکیه است، ولی وسعت جنگلهای آن حدوداً دو برابر کشور ما می‌باشد (۲۰/۲ میلیون هکتار).

در میان ۵۶ کشوری که در جهان دارای جنگل هستند، ایران با حدود ۱۲/۴ میلیون هکتار جنگل، در مقام چهل و پنجم قرار دارد. به عبارت دیگر، به دلیل حاکم بودن شرایط بیابانی و نیمه‌بیابانی در کشور، فقط سطح محدودی (۷/۶٪) از این سرزمین پهناور پوشیده از جنگل است.^(۹)

خصوصیات گیاهان مناطق خشک

اصولاً پوشش گیاهی طبیعی، منعکس‌کننده کلیه اثرات عوامل آب و هوایی است؛ بنابراین جای تعجب نیست اگر مشاهده می‌شود که بین مناطق گیاهی و مناطق اقلیمی تطابن کامل برقرار است؛^(۱۰) پس هماهنگی بارزی بین انواع اقلیم و انواع گیاه وجود دارد.

چون امروزه در هر منطقه اقلیمی، گیاهانی می‌رویند که ویژگی همان اقلیم را منعکس می‌کنند؛ برای مثال همان گونه که در مناطق خشک درختان پهن برگ جنگلی را نمی‌توان یافت، به همین سبب انواع گیاهان مناطق خشک را نمی‌توان در مناطق مرطوب دید؛ بنابراین از اینجا روابط عمیق و بنیادی بین اقلیم و گیاه روشن می‌شود و در مجموع عامل اقلیم، یکی از عوامل تعیین‌کننده نوع پوشش نباتی هر منطقه جغرافیایی است.^(۱۱)

تنها تعداد نسبتاً محدودی از تپه‌های گیاهی به زندگی در مناطق بسیار خشک سازگارند؛ ولی این گیاهان ممکن است در مناطق وسیعی مشاهده شوند. کلاً دو گروه اصلی از گیاهان آوندی بیابانی در مناطق خشک قابل مشاهده‌اند:

نخست گیاهان کم‌داوم و یکساله که عمر کوتاهی دارند و می‌توانند در عرض چند هفته بعد از جوانه زدن رشد خود را کامل کنند. این گیاهان به تعداد بسیار زیادی در دوره‌های بارانی یافت می‌شوند؛ ولی در طول سالهای خشک ظاهر نمی‌شوند و حیات آنها کاملاً به وجود رطوبت در خاک بستگی دارد و الا از بین خواهند رفت.

دوم گیاهان پردوام و دائمی هستند که بیشتر گونه‌های بیابانی می‌باشند و از طریق تحمل خشکی یا گریز از خشکی و یا به وسیله سازگاری فیزیولوژیکی، مورفولوژیکی و یا آناتومیکی که منجر به کاهش تلفات آب می‌گردد، متحمل دوره‌های طولانی کم‌آبی می‌شوند. در سالهایی که دوره خشکی طولانی باشد، قسمت اعظم پوشش گیاهی انواع گیاهان دائمی کم‌آب ممکن است کاملاً خشک شوند. برعکس، در سالهای پر باران در اثر شرایط مطلوب به سرعت رشد خود را از سر می‌گیرند. (۱۲)

همان طور که ذکر شد، اقلیم منطقه مورد مطالعه، گرم و خشک می‌باشد و هر چه به سواحل جنوبی استان (دریای عمان) نزدیکتر شویم، بر رطوبت نسبی افزوده می‌شود و این امر باعث گردیده است که پوشش نباتی منطقه، بیشتر گیاهان گرمسیری و مناطق خشک باشد که ذیلاً به گونه‌های مهم آنها اشاره خواهد شد.

گونه‌های مهم گیاهی موجود در منطقه و اهمیت اقتصادی آنها

تنوع محیط جغرافیایی و حاکمیت شرایط آب و هوایی گوناگون در کشور، موجب گردیده است که گونه‌های گیاهی متنوعی در گوشه و کنار کشور به وجود آید و سیمای جغرافیای زیستی هر منطقه را جان و محتوا بخشد. هر چند که تاکنون تعداد گونه‌های گیاهی در ایران به طور کامل شناسایی نشده‌اند؛ لیکن بر اساس برخی مطالعات کلی، گونه‌های جوامع گیاهی ایران به بیش از ۸۰۰۰ نوع برآورد می‌شود. این تنوع گونه‌ای، ناشی از موقعیت خاص جغرافیایی کشور است؛ چرا که ایران تقریباً در محل تلاقی نواحی پنجگانه فیتوژئوگرافیک جهان؛ یعنی اروپا-سیبری، مدیترانه‌ای، ایرانی-تورانی، صحرائی-سندی و سودانی قرار گرفته است. به عبارت دیگر، در ایران عناصر جغرافیایی هر یک از نواحی پنجگانه گیاهی وجود دارند. (۱۳)

اصولاً برخی از کشورها برای حفظ و توسعه جنگلهای خود برنامه‌های ویژه‌ای دارند. مثلاً کشور مالزی که حدود ۶۰٪ کشورش جنگلی است (در کشور ما حدود ۷٪ است)، در نظر دارد حدود ۲۰ میلیون اصله درخت بکارد و باز هم بر وسعت جنگل‌هایش اضافه نماید و در کشور ما هم طرح نهضت سبز در دست اجرا است و قرار است ظرف مدت ۱۰ سال آینده، وسعت جنگلهای ما از ۱۲/۴ به ۱۶/۴ میلیون هکتار برسد. (۱۴)

به طور کلی در منطقه مورد مطالعه، جنگل به معنای واقعی وجود ندارد و پوشش گیاهی به صورت پراکنده و تنک، اعم از درختی، درختچه‌ای، بوته‌ای و علفی قابل مشاهده است که به خاطر گرمای زیاد و فقر رطوبت، دائماً با مرگ دست و پنجه نرم می‌کنند. خشک شدن برخی از این گیاهان باعث فرسایش خاکهای منطقه نده است و فقط در نقاطی محدود، گیاهانی که از دسترس دامها دور مانده‌اند و یا به عللی حفاظت شده‌اند، امکان تجدید حیات را پیدا کرده‌اند و در بقیه نقاط اثری از زادآوری طبیعی درختان و گیاهان همراه دیده نمی‌شود. بنابراین حفظ و حراست از پوشش نباتی مختصر منطقه می‌تواند از لحاظ اکوسیستم طبیعی، ذخیره آبهای زیرزمینی، جلوگیری از فرسایش، تنظیم آب و هوا، تأمین غذای دام و وحش... ضروری باشد و متأسفانه استفاده از چوب درختان جهت سوخت و تولید انرژی حرارتی، چرای بی‌رویه و بالاتر از ظرفیت مراتع، کشت دیم، شرایط نامساعد اقلیمی...، از جمله عواملی هستند که وضعیت پوشش نباتی منطقه را تهدید می‌کنند و در واقع اگر وضع به همین منوال باشد، پوشش نباتی منطقه روند نزولی و سیر قهقراپی طی خواهد کرد و حتی برخی از گونه‌های گیاهی در این منطقه منقرض خواهند شد.

آثار و شواهد موجود در منطقه نشان می‌دهد که علی‌رغم محدودیتهای محیطی و شرایط دشوار اقلیمی، منطقه از لحاظ پرورش گیاهی در گذشته وضعیت بهتری داشته و به مرور زمان در اثر خشونت طبیعت و بهره‌برداری بی‌رویه، رو به نابودی گذاشته و امروزه منحصر به آبراه‌ها و مناطق ساحلی و حفاظت شده گردیده است. از آنجایی که گیاهان منطقه کم‌توقع بوده و با کمترین رطوبت و سخت‌ترین شرایط قادر به ادامه حیات هستند، در صورت وجود خاک مناسب و کمترین آبیاری می‌توان غنای خاصی به پوشش نباتی منطقه بخشید و از انقراض برخی گونه‌ها

جلوگیری کرد.

استفاده از گیاهان بومی این منطقه خشک، می تواند اهمیت زیادی برای ساکنان آن داشته باشد. مردم بومی از میوه، شاخ و برگ، ساقه های جوان، ریشه، تانن، صمغ و رزین، روغن و عصاره، الیاف، خاصیت دارویی و درمانی... و پوشش گیاهی منطقه، کم و بیش استفاده می نمایند و در واقع این گیاهان، بویژه علوفه، نقش حیاتی در کمک به اقتصاد روستایی و عشایر و تأمین خوراک دام و خانواده آنها دارد.

در محدوده منطقه مورد مطالعه و بویژه در حوالی نوار ساحلی دریای عمان، با توجه به شرایط اقلیمی، انواع درختان و گیاهان گرمسیری مشاهده می شود که ذیلاً به شرح مختصر گونه های مهم و کاربردهای اقتصادی و خواص درمانی آنها پرداخته می شود:

۱- نخل: از اشجار مفیدی که تأثیر حیاتی در زندگانی اهالی این سامان دارد و در اکثر شهرها و روستاهای این منطقه مشاهده می شود، 'نخل' یا درخت خرما است. علاوه بر آنکه میوه آن، به صورت نازه یا خشک، ماده اصلی غذای بیشتر سکنه را تشکیل می دهد، از شاخ و برگ و الیاف آن کپر - که به منزله خانه و مسکن است - ساخته می شود و تنه آن را برای پوشش سقف به کار می برند و از دازوپرک (نخل خزنده) برای بافتن حصیر و غیره استفاده می نمایند. (۱۵) خرما از جمله درختانی است که مورد توجه خاص اهالی است و با توجه به استعداد و آمادگی آب، هوا و زمین، محصول فراوانی می توانند از آن به دست آورند. مشکل بزرگ خرما در منطقه در حال حاضر، نداشتن بازار مناسب به خاطر بسته بندی غیر بهداشتی است.

۲- کهور ایرانی: * که به زبان محلی آنها 'کهیر' می نامند، درختی است با تنه واحد به ارتفاع ۱۰-۱۵ متر و دارای چوب بسیار محکم و ثابت که تا ۴ درجه زیر صفر را به خوبی تحمل می کند. در خاکهای مرطوب یا جاهایی که سطح آب زیرزمینی بالا باشد، خوب رشد می کند و شاخه های آن مانند بید مجنون آویزان است و مقاومت آن به شوری کم می باشد.

این گونه دارای تنه صاف و صنعتی بوده و صنعتگران، هم اکنون در صنایعی نظیر نجاری،

رودگری و لنج‌سازی از آن استفاده می‌نمایند. چوب ریشه‌های قطور آن خوش‌رنگ و خوش‌نقش بوده و پرداخت‌پذیری بسیار خوبی دارد و به خاطر داشتن این خصوصیات، ماده اولیه بسیار مناسبی برای صنایع دستی از جمله خراطی، منبت‌کاری و مجسمه‌سازی می‌باشد. همچنین از چوب آن برای سوخت، تهیه ذغال، و پایه حصار استفاده می‌گردد.

از برگ و سرشاخه‌های آن برای تعلیف دام استفاده می‌شود؛ به طوری که داری ارزش علفه‌ای بالایی در حد یونجه می‌باشد.

پوست درخت، طعم گس و تلخ دارد؛ مقوی و ضد کرم است و بومیان منطقه از آن جهت درمان جذام، برونشیت، آسم و موارد مختلف دیگر استفاده می‌کنند. (۱۶)

۳- کهور پاکستانی: این درخت که در منطقه به نام محلی "سمر" شناخته می‌شود، درختی است پاکوتاه با تاج گسترده و سرسبز که با همین مشخصه از سایر درختان کاملاً متمایز است و در صورتی که با خشکی فوق‌العاده هوا مواجه نگردد، بدون خزان و همیشه سبز باقی می‌ماند. کهور پاکستانی در سال اول کشت به آبیاری نیازمند است و پس از آن تنها از رطوبت دریا بهره می‌گیرد و به آبیاری نیاز ندارد. این درخت علاوه بر مقاومت در مقابل خشکی و گرما، نسبت به خاکهای فقیر و شور هم بردبار است. ریشه آن عمیق و گاهی تا عمق ۳۵ متری هم نفوذ می‌کند.

اگر چه به علت اینکه کهور پاکستانی فاقد تنه واحد و قطور می‌باشد و این امر طیف مصرف‌کنندگان آنرا محدود می‌سازد؛ ولی به دلیل داشتن چوبی خوش‌نقش و خوش‌رنگ و خوش‌تراش، از شاخه‌های قطور آن می‌توان در تولید محصولات مختلف صنایع دستی، از جمله مجسمه‌سازی، منبت و خراطی استفاده نمود و شاخه‌های کم‌قطر آن را می‌توان برای تولید تخته و خرده‌چوب استفاده کرد. همچنین مناسبترین گونه برای سوخت می‌باشد و به علت ارزش حرارتی بالایی که چوب آن دارد، ذغال مرغوب از آن به دست می‌آید و چوب آن برای مصارفی مانند پایه حصار و چهارچوب درب و پنجره استفاده می‌شود.

برگ این گونه، علفه‌ای مناسب برای دامها محسوب می‌شود و جوانه‌های آن برای حیوانات، رطوبت و سخت‌ترین شرایط قادر به ادامه حیات هستند. در صورت وجود خاک مناسب و

خوش خوراک محسوب می‌گردد و در هر کیلوگرم آن مقدار ۷۵ گرم پروتئین قابل هضم موجود می‌باشد.

مهمترین ارزش این‌گونه، استفاده از میوه آن برای تأمین خوراک دام است و لذا این درخت در زمره درختان علوفه‌ای محسوب می‌گردد. بر اساس بررسیهای به عمل آمده و گزارشهای موجود، کشور پاکستانی هر سال دوبار بذر داده و در مجموع هر اصله درخت، به طور متوسط ۴۰-۳۰ کیلوگرم بذر در سال تولید می‌نماید و مقدار آن در سنین بالاگاهی در هر درخت به ۷۰ کیلوگرم می‌رسد. گلهای این درخت یک منبع بسیار عالی و ایده آل برای تأمین عسل در مناطق خشک محسوب می‌شود و زنبور عسل به فراوانی از گل آن استفاده می‌نماید. همچنین از این درخت نوعی صمغ تجاری ترشح می‌شود که ارزش اقتصادی بالایی دارد. پوست آن به علت داشتن تانن مصارف دباغی دارد. (۱۷)

۴- داز یا فخل وحشی*: نام محلی آن "پیش" است و ارتفاع آن حداکثر به ۲ متر می‌رسد. موارد مصرف فراوانی دارد، مثلاً برگ داز در طناب بافی، پوشش خانه‌ها و کپر‌ها، بافت انواع سبد، نوعی کفش حصیری به نام "سیواس" و نوعی قایق ابتدایی به نام "حشاش" (شاخه‌های خرمایی است که بوسیله طناب بافته شده از داز، به هم متصل شده‌اند) کاربرد دارد. کثرت داز در این منطقه موجب شده است که گاه به جنگل داز اشاره برود و در حقیقت با اهمیت‌ترین کلنی داز ایران، در این منطقه قرار گرفته است. (۱۸)

داز معمولاً در حاشیه و کف رودخانه‌های فصلی می‌روید و محصول نمی‌دهد و از گیاهان بومی مناطق خشک و این منطقه محسوب می‌شود و به خاکهای شنی بیشتر علاقه دارد رگه با گیاهان دیگری نظیر چگرد یاگز درمی‌آمیزد.

۵- بَرت*: درختی است که نام محلی آن "چش" می‌باشد و همیشه سبز است. پوست تنه آن قهوه‌ای متمایل به سیاه است که شکافهایی در روی پوست آن دیده می‌شود. این درخت دارای تنه واحدی بوده و ارتفاع آن بسته به شرایط آب و خاک، به ۱۲-۷ متر می‌رسد. میوه آن لوبیایی

شکل و حاوی چند دانه بذر است و در در فصل از سال بذر می‌دهد و هر درخت به طور متوسط ۳۰-۲۰ کیلوگرم بذر تولید می‌کند و در سال سوم، بعضاً به دو برابر افزایش می‌یابد.

در منطقه بلوچستان از میوه این درخت برای تغذیه دامها استفاده می‌شود که دارای ارزش غذایی بسیار بالایی می‌باشد. برگها و سرشاخه‌های این درخت، علوفه خوش خوراکی برای دامها محسوب می‌شود و در مواقع خشکسالی، تنها خوراک دامها است و آنها را از گرسنگی رهایی می‌بخشد.^(۱۹) سرشاخه‌های این درخت گاهی به آفتی که به زبان محلی "سیاهدار" گفته می‌شود، مبتلا می‌گردد و به منظور جلوگیری از گسترش این عارضه و باهدف تأمین علوفه برای دامها، باید هر چند سال یک بار کلیه سرشاخه‌ها از محل ابتدای تاج قطع گردد و بعد از چریدن و تعلیف دامها از برگ و سرشاخه‌ها، چوبهای به‌دست آمده می‌تواند به مصرف سیخت و سایر کارها برسد. از تنه درخت می‌توان صمغ و از پوست آن مازوج تهیه کرد که در ایران زیاد متداول نیست؛ ولی از پوست این درخت جهت رنگ کردن مشک آب در بلوچستان استفاده می‌شود. همچنین از شاخه‌های این گیاه برای درمان گزش حشرات استفاده می‌گردد. از برخورد شاخه‌ها به بکدیگر بر اثر وزش باد و ایجاد خراش در شاخه‌ها، صمغ عربی به حالت طبیعی به خارج ترشح می‌شود که در تهیه آهار پارچه‌ها، کاغذسازی، تهیه چسب، مرکب و همچنین در رفع برافروختگی‌ها و در مورد التهاب گلو و دستگاه گوارش مصرف می‌شود.

چوب این درخت سخت و سنگین، قرمز و متمایل به قهوه‌ی و خیلی بادوام است. در سایر کشورهایی که این گونه گیاهی موجود است، از چوب آن برای تهیه تراورس، قایق و لنج‌سازی، ساختمان‌سازی و بشکه و تهیه ابزارهای روستایی استفاده می‌شود؛ ولی در بلوچستان ایران بیشتر برای ته قایق و لنج از آن استفاده می‌گردد. در شرایط مطلوب بعد از ۱۵ سال، قطر تنه این درخت به ۲۵ سانتیمتر می‌رسد که حداقل قطر مورد نیاز برای صنایع لنج‌سازی است که بیشتر در چابهار و کنارک رواج دارد. این چوب غیر از اینکه قسمتی از شاسی اصلی لنج می‌باشد، که به خاطر خصوصیات ویژه آن پروانه موتور لنج حتماً باید روی آن نصب گردد، در سایر قسمتهای اسکلت داخلی و بیرونی بدنه لنج نیز کاربرد دارد. ضمناً تنه‌هایی که قسمت انتهایی آنها به شکل تقریبی "L" و یا شکل "Y" بوده باشد، به منظور نصب پروانه موتور لنج بر روی آنها ارزش بیشتری

دارند. (۲۰)

۶- مسواک: * این گیاه که در محل به نام "چوج" یا "پیر" شناخته می‌شود، درختچه‌ای پرشاخه، همیشه سبز و دارای چوب نرم به رنگ مایل به سفید با خطوط ظریف می‌باشد. میوه‌اش گوشتدار، به صورت شفت، کوچک به قطر ۳ میلیمتر، با ظاهر مدور است و پس از رسیدن به رنگ قرمز در می‌آید.

میوه گیاه طعم شیرین و اثراتش آوز و مقوی معده دارد. برگهای آن قابض، مدر، آرام‌کننده درد و ضد کرم است.

از برگ آن توسط بومیان جهت درمان بواسیر و رفع التهاب استفاده به عمل می‌آید. دانه آن مقوی کبد و زیادکننده ادرار است.

علت نامگذاری آن به درخت مسواک، به طوری که شهرت دارد، آن است که مسواک ساخته شده از چوب این درختچه، لته‌ها را تقویت می‌کند و برخی از روستائیان با چوب آن مسواک می‌زنند. در آثار طبی ندیم ایران چنین آمده است که مصرف میوه این گیاه باعث می‌گردد که نفخ و ناراحتی‌های هضمی کاهش یابد. لته شده پوست این درختچه، اگر بر روی پوست بدن قرار گیرد، ایجاد تاول می‌کند. جوشانده پوست ساقه این گیاه را می‌توان در درمان تبهای خفیف به کار برد. (۲۱) امروزه قطره ساخته شده از این گیاه، به نام "پرسیکا"، در اکثر نقاط ایران یافت می‌شود و برای شستشوی لته و دهان از آن استفاده می‌شود.

۷- حنا: ** درختچه‌ای است که نام محلی آن نیز "حنا" می‌باشد. دارای شاخه‌های غالباً خاردار پوشیده از پوست خاکستری مایل به سفید می‌باشد.

ارتفاع آن حداکثر به ۶ تا ۷ متر می‌رسد. قسمت مورد استفاده حنا، برگ آن است که به حالت کامل و یا به صورت گرد مورد استفاده قرار می‌گیرد. حنا در رنگرزی نیز به عنوان یک ماده رنگی اسید کاربرد دارد.

ماده رنگی حنا "لاوسون" نام دارد که دارای اثرات ضدقارچی، ضد اسهالی و... است. حنا از

رنگهای طبیعی بی‌زیان است و از آن در نقاط مختلف، مخصوصاً توسط زنان، به منظور رنگ کردن ناخن، دست، پا و مو استفاده به عمل می‌آید و از آن منحصرأ در جشن و سرورها، مراسم ازدواج و در مواقعی که یک امر شاد و نشاط آور در پیش باشد، استفاده می‌شود.

حنا در صنعت، موارد استفاده فراوان دارد و در مثبت کاری، به منظور رنگ کردن چوبهای سفید و بدست آوردن رنگ زیبای آکاژو، از حنا استفاده می‌نمایند، ^(۲۲) ولی فعلاً در منطقه کاربرد صنعتی زیادی ندارد.

۸- یکی دیگر از درختان منطقه ثنار یا سدر* است. این درخت که ارتفاع آن به ۷ تا ۱۰ متر می‌رسد، میوه‌ای شبیه زالزالک دارد که گرد و تخم مرغی و زردرنگ است و قابل خوردن می‌باشد و اهالی از کوبیدن برگ آن به جای صابون استفاده می‌کنند و برای درمان بیماریهای پوستی مفید است.

این درخت یکی از پرارزش‌ترین گونه‌های بومی منطقه به حساب می‌آید و تقریباً می‌توان گفت تمام اجزاء آن، از میوه و برگ گرفته تا چوب آن، ارزش اقتصادی و صنعتی دارد. میوه آن که ارزش غذایی و دارویی دارد، نه تنها در منطقه، بلکه در کشورهای همجوار، طرفداران و خریداران بسیار داشته و امکان صدور آن وجود دارد.

ترکیباتی که از این گیاه استخراج می‌شود، در داروسازی و درمان بیماریها معمولاً به صورت خوراکی یا استعمال خارجی مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین پوست آن دارای تانن می‌باشد که در دباغی اهمیت بسزایی دارد. ^(۲۳)

۹- آنبه** یکی دیگر از درختان مشمر منطقه است که پرمحصول می‌باشد و هل محل محصول یک درخت بارور را تا ۵۰۰ کیلو تخمین می‌زنند. این درخت رسیدگی زیادی نمی‌خواهد، ولی با توجه به قیمت محصول عواید خوبی دارد. میوه آن بسیار مقوی است که از آن ترشی، مربا و شربت هم درست می‌کنند و بیشتر در دره سرباز و نواحی ساحلی استان کاشته می‌نود و در وضعیت کنونی، قادر به رقابت با محصول آنبه کشورهای هند و پاکستان نیست.

۱۰ - آتریپلکس: گیاهی است با نام فارسی "اسفناج وحشی" و نام محلی "سوریچک". این گیاه که حداکثر ارتفاع آن به حدود ۱/۵ متر می‌رسد، بیشتر برای تثبیت ماسه‌های روان از آن استفاده می‌شود.

قسمت مورد استفاده این گیاه از نظر درمانی، برگ، سرشاخه‌های جوان و همچنین دانه‌های آن است. برگ‌های این گیاه دارای طعم ناپسند، ولی اثرات درمانی مدر و نرم‌کننده است. از برگ آن جهت رفع اخلاط خونی، بیماری‌های کبدی و مثانه و همچنین رفع زردی، تنگی نفس و دفع اسکاریدها استفاده می‌شود.

در استعمال خارجی، با مخلوط کردن برگ یا سرشاخه برگ‌دار و له شده آن با عسل، نوعی ضماد نرم‌کننده تهیه می‌شود که از آن جهت رفع آماس و ناراحتی‌های محل ضرب دیده بدن استفاده می‌گردد. این گیاه از علوفه نسبتاً خوبی برای چهارپایان، مخصوصاً گاو، برخوردار است. از تمام اعضای گیاه نیز معمولاً نوعی ماده رنگی لاجوردی تهیه می‌شود. (۲۴)

۱۱ - خربزه درختی: گیاهی است که هر چند از هندوستان به منطقه آورده شده، ولی در اصل بومی نواحی استوایی به‌شمار می‌آید. این درخت که به زبان محلی "پاپایا" نامیده می‌شود، همیشه سبز است و تا ۱۰ متر ارتفاع پیدا می‌کند و برگ‌های پنجه‌ای شکل دارد. میوه‌ها که پیرامون تنه درخت، اما در قسمت نوک آن می‌رویند، شبیه خربزه کوچکی بوده و گاه تا ۵ کیلوگرم وزن دارند. میوه این درخت بسیار مقوی است و به مصرف انسان و دام می‌رسد. (۲۵)

۱۲ - درخت استبرق: این درخت در تمام مناطق گرمسیری بلوچستان می‌روید و به زبان محلی "کرک" نامیده می‌شود؛ سابقاً از لیانی که از قوزه آن به دست می‌آمده پارچه می‌بافتند (مانند دیبای شوشتری)؛ ولی اکنون به جای پر، در متکا و بالشت به کار می‌رود و در لابلای دره‌ها و کوه‌ها تا ارتفاع حداکثر ۱۰۰۰ متر از سطح دریا با گل‌های قشنگ بنفش، که در اواخر اسفند شکفته می‌شود، یافت می‌شود. (۲۶)

برگهای آن بی پایه و بهن و بیضی شکل و نوک تیز است و سطح فوقانی و تحتانی آنها در جوانی، از کرکهای سفیدرنگ و کم دوامی پوشانیده است که به تدریج پس از رشد برگ، می ریزد و از میان می رود. پوست تنه آن سفید و مایل به شکری است.

میوه این درختچه، دراز، گوشتدار و خاکستری رنگ است و محتوی دانه های ریز قهوه ای رنگ به ابعاد ۵ تا ۶ میلی متر می باشد. مغز دانه ها، طعم بسیار تلخ و معادل ۲۵ تا ۳۰ درصد، ماده چوب دارد که در صورت استخراج به صورت روغنی غلیظ به رنگ سبز زیتونی از آن به دست می آید. این درخت دارای شیرابه سفیدرنگی می باشد که دارای گلوکزیدی بنام کالوت روبین است. قسمت مورد استفاده این درختچه ریشه آن است که در طب عوام به مصارف دارویی مختلف می رسد. در کشورهای اروپایی از این گیاه، به علت خطرناک بودن استفاده نمی شود؛ ولی شهرت درمانی فراوانی در بعضی کشورها، مانند هند دارد. ریشه اش اثر استفراغ آور شدیدی دارد. در برخی از نواحی هند و مالزی از ریشه این گیاه در مداوای جذام، برخی بیماریهای جلدی مانند سردا و رفع سفلیس استفاده به عمل می آورند و برای آن اثر خلط آور و مقوی معده قائل اند. (۲۷)

۱۳ - موز: یکی دیگر از گیاهان گرمسیری است که گاهی تنها و گاهی هم همراه با مرکبات و سایر درختان در منطقه کاشته می شود. میوه آن کوچک است و زیاد شیرین نیست و در مقایسه با موزهای خارجی مرغوبیت چندانی ندارد. موز در حال حاضر در منطقه عورکی، گرمبیت، زرآباد، نیکشهر، قصرنند، دره سرباز و... کاشته می شود، ولی به نظر نمی رسد قادر به رقابت با موزی که به طور قاچاق از پاکستان وارد استان می شود، باشد. می گویند در گذشته به طور منظم هواپیمای کرچکی برای حمل موز به نیکشهر می آمد؛ ولی اکنون با وجود آنکه متقاضی بیشتری برای این محصول وجود دارد، حمل موزها به سختی صورت می گیرد. مضاف بر اینکه اصولاً به علت قرنطینه ای که ایجاد گردیده، خروج موز از نواحی ساحلی، مثل چابهار به دیگر شهرها ممنوع بوده و همین ممنوعیت سبب ایجاد مشغله جدیدی به نام قاچاق موز شده است. (۲۸) ولی اخیراً با توجه به استقبال استانهای مجاور، مسأله قاچاق و خروج آن از استان، با همت مسؤولین تاحدی حل شده است و در حال حاضر بعد از خرما، اقتصادی ترین محصول منطقه محسوب می شود.

میوه این محصول بسیار مقوی است و از برگ آن برای تعلیف دام استفاده می‌شود و کاشت آن اخیراً در جلگه دشتیاری و دره سرباز و اطراف جاده راسک - چابهار روبرو فزونی گذاشته است. از ضایعات شاخ و برگ موز، امروزه می‌توان در کسارتن‌سازی، کاغذسازی، مقواسازی، دستمال‌کاغذی و ساخت تشوپان و... استفاده کرد که متأسفانه منطقه مورد مطالعه فعلاً فاقد چنین امکاناتی است.

۱۴ - چریش: * درختی است که نام محلی آن "سریش" می‌باشد و ارتفاع آن به ۱۰ تا ۱۵ متر می‌رسد و طول برگهای آن ۲۰ تا ۵۰ سانتیمتر است. گل‌هایی معطر به رنگ آبی دارد و میوه‌اش بیضوی، آبدار و به بزرگی یک نخود، به رنگ زرد و محتوی هسته سختی می‌باشد. قسمت مورد استفاده این درخت، پوست، ریشه، ساقه و همچنین برگ آن است. از پوست آن برای دارویی تب‌بر استفاده می‌شود. له شده دانه آن، به طور ملایم بوی سیر می‌دهد و به سهولت تخمیر حاصل می‌کند. چوب این درخت دارای ارزش صنعتی است. (۲۹)

۱۵ - سز: ** دارای گونه‌های متعددی است که غالباً به صورت درختچه و گاهی نیز درخت مشاهده می‌شود. نوع شاه‌گز آن تنه واحد و قطوری دارد که ارتفاع آن زیاد می‌شود و از چوب آن علاوه بر سوخت، برای ساخت خانه و کپر نیز استفاده می‌شود. این درختچه بیشتر در بستر رودخانه‌ها، جلگه ساحلی دریای عمان و نواحی شور و گرمسیری بلوچستان قابل مشاهده است. گز به وسیله قلمه، به خوبی تکثیر می‌شود و از آن برای تثبیت ماسه‌های روان هم استفاده می‌گردد. از یکی از گونه‌های گز، گزانگبین به دست می‌آید.

۱۶ - اسکنبیل: *** این درخت دارای گونه‌های متعددی است و در نواحی خشک و شوره‌زار منطقه، بر روی ماسه‌های روان دیده می‌شود. ارتفاع آن از یکی دو متر تجاوز نمی‌کند و به وسیله بذر و قلمه، به خوبی تکثیر می‌شود. این درختچه در مقابل خشکی و شوری، تا حدی بردبار و مقاوم است و بعضاً از آن برای تثبیت ماسه‌های روان استفاده می‌شود؛ ولی چون در مواقعی از

* - *Melia indica**** - *Tamarix pentandra**** - *Calligonum comosum*

سال عاری از برگ است، کارآیی لازم را برای تثبیت ماسه‌ها ندارد.

ساقه‌های آن بنبند است و رنگ ساقه‌های جوان آن، سبز و رنگ ساقه‌های چند ساله، سفید می‌باشد. از شاخ و برگ درختچه‌های اسکنبیل برای چرای دام و سوخت هیزمی استفاده می‌شود. ۱۷- سکلیر: * درختی کوچک و زیبا و عاری از برگ است. دارای تاجی گرد و انشعاباتی باریک و سبزرنگ است و خارهای کوچکی به جای گوشوارک بر روی شاخه‌های آن دیده می‌شود. گیاه جوان شکل پوته‌ای گرد را داشته و شامل شاخه‌ها و جوانه‌هایی پیچیده است؛ به شکلی که تنه اصلی را کاملاً می‌پوشاند و با ازدیاد سن گیاه، شاخه‌های پایین افتاده و تنه سخت ظاهر می‌گردد.

کلیر از نباتات گرمسیری محسوب می‌شود و در بلوچستان، در حوالی چابهار و نیکشهر و... انتشار دارد. چوب و تنه آن بی‌شبهت به تنه درخت شمشاد نیست و به رنگ زرد لیمویی است. (۳۰) چوب آن سخت و فشرده و به وسیله موربانه خورده نمی‌شود و به همین جهت، بیش از هر گونه دیگری، از چوب آن به عنوان پایه استفاده می‌شود؛ اما ذغال مرغوبی از چوب آن به دست نمی‌آید. همچنین به جهت اینکه فاقد تنه واحد بوده و قاعدتاً چند شاخه است، کاربرد چندانی در صنایع معمول چوب و صنایع بومی و محلی ندارد و مورد رغبت صنعتگران نیست؛ ولی قابلیت مصرف در صنایع خرده چوب و خصوصاً تولید تئوپان را دارا می‌باشد. از میوه نارس آن در منطقه نوعی ترشی درست می‌کنند.

پوست گیاه طعم تند و اثر آرام‌کننده، معرق، ملین و خاصیت دنع کرم دارد. در رفع سرفه و تسکین و درمان آسم، اثرات مفیدی ظاهر می‌نماید. برای کلیه قسمت‌های گیاه اثر مقوی و بادشکن و... قائل‌اند و آن را در درمان رماتیسم و رفع سکسکه، دارویی مفید به حساب می‌آورند. (۳۱)

۱۸- تاغ: ** دارای دو گونه زرد تاغ و سیاه تاغ است. زرد تاغ درختی است کوچک و کم برگ که ارتفاع آن گاهی به ۶ متر می‌رسد. درختان تاغ معمولاً تنه واحدی ندارند؛ ولی به علت مقاومت زیاد در برابر خشکی و شوری، کاربرد زیادی در تثبیت ماسه‌های روان دارند. از درختان تاغ در

منطقه، علاوه بر تثبیت ماسه‌های روان، برای تعلیف دام و سوخت هیزمی نیز استفاده می‌شود. ۱۹- سواوا: همان زیتون محلی می‌باشد و درختی است که ارتفاع آن به ۳ تا ۶ متر بالغ می‌گردد و گاهی به صورت درختچه و بوته‌ای ظاهر می‌شود. بیشتر برای استفاده از میوه مورد کاشت و حمایت در داخل باغات و اطراف منازل قرار می‌گیرد. هر چند چوب آن قابل کاربرد در موارد مختلفی می‌باشد؛ اما برگ، میوه، گل، پوست و ریشه آن موارد استفاده متعددی در درمان چند نوع بیماری دارند. میوه گوشتدار و مدور یا گلابی شکل آن که محتوی دانه‌های متعددی است، با طعم گس و ترش خود برای رفع ناراحتیهای گوارشی و هضمی، مخصوصاً با منشاء صفراوی و تلخی دهان، به کار می‌رود و مقوی و ملین می‌باشد. صمغ مترشحه آن اثر قوی دارد و پوست و ریشه و میوه گلابی شکل آن، به علت قابض بودن، در رفع اسهالهای اطفال مؤثر است. برگ جوان آن اثر مقوی و هضم‌کننده دارد. جوشانده برگ برای ایجاد استفراغ و رفع اسهال به کار می‌رود. (۳۲)

۲۰- شیرین بیان: گیاهی است علفی پایا و دارای ساقه‌ای به طول نیم تا یک متر، که در محیط‌های مساعد به ارتفاع بیشتر هم می‌رسد. ریشه و ریزوم شیرین بیان، مصارف دارویی دارند و به صورت قطعات استوانه‌ای شکل به قطر ۵/۰ تا ۵/۱ سانتیمتر مورد استفاده قرار می‌گیرند. مقطع آنها رنگ زرد روشن دارد و بوی این قطعان، مخصوص و طعم آنها شیرین است؛ ولی متناسب با منشاء گیاه، این صفات تفاوت می‌نمایند.

شیرین بیان علاوه بر آنکه در داروسازی جهت مخفی ساختن طعم ناپسند بعضی از داروها به کار می‌رود، در رفع سرفه‌های عصبی، پرونشیت و التهاب نای، تأثیر دارد. مهمترین کاربرد درمانی شیرین بیان، موارد مصرف آن در درمان التهاب منده، زخم منده و اثنی عشر است. (۳۳)

۲۱- نی قلم: که برای نوشتن خط فارسی مورد استفاده است و اهالی منطقه آن را "گولم" می‌نامند، در نیزارها فراوان است. نوع دیگری از نی در منطقه وجود دارد که به حدی قطور و ضخیم و محکم است که آن را برای پوشش سقف خانه به کار می‌برند و بالاخره یک نوع نی دیگر

وجود دارد که ساقه آن توپر و سبک وزن است و برای بافتن پرده و حصیر و غیره به کار می رود. (۳۴)

۳۲- منداب: گیاهی است علفی و به ارتفاع ۲۰ تا ۶۰ سانتیمتر که گل‌هایی درشت به رنگ سفید مایل به زرد یا مایل به صورتی و منقوش به شبکه‌ای از خطوط ظریف، به رنگ بنفش دارد. میوه‌اش به طول ۱/۵ تا ۳ سانتیمتر و به عرض ۳ تا ۵ میلی‌متر است، ولی برخلاف ترب، بندبند نیست. زنبور عسل نوش کافی از گل‌های آن به دست می آورد.

دانه منداب دارای ۳۰ درصد مواد پروتئینی و معادل همین مقدار مواد چرب است و از دانه آن روغنی استخراج می شود که در دمای ۳۱ درجه ذوب و کمتر از آن به صورت توده‌ای سفیدرنگ، با ظاهر متبلور است. قسمت‌های مختلف گیاه اثر ضد اسکوربوت، مدر و نیرودهنده دارد. دارای اثر مقوی معده و رفع خستگی عمومی و آب آوردن اساج می باشد. دانه‌اش اثر قرمزکننده پوست بدن دارد و می توان به جای خردل، در موارد ضروری، از آن استفاده نمود. اعضاء هوایی گیاه، علاوه بر تعلیف دام، به حالت خام، به تنهایی یا مخلوط در سبزی سالاد مصرف می شود. در استعمال خارجی، لوسیون آن که از مخلوط با گیاهانی با تأثیر مشابه تهیه می شود، اثر تقویت موی سر ظاهر می کند. (۳۵)

۳۳- شمل: نام فارسی آن "نیل" و گیاهی بوته مانند به ارتفاع یک تا ۱/۸ متر و پوشیده از تارهای ظریف نقره‌ای می باشد. این گیاه دارای برگ‌هایی مرکب: نازک و تحتانی و به رنگ خاکستری است که پس از خشک شدن، رنگ آن خاکستری تیره می شود. ریشه و ساقه این گیاه، طعمی تلخ و اثر ملین، خلط آور و ضد کرم دارد و اگر بر روی پوست سر استفاده شود، موجبات تقویت مو را فراهم می آورد. کلیه قسمت‌های گیاه اثر کاهش دهنده التهاب دارند و از آن جهت درمان برونشیت‌های مزمن، آسم، از بین بردن اثر گزش حشرات و خزندگان سمی در اطفال، معالجه زخم، ناراحتی‌های پوستی و رفع عوارض آنها استفاده می شود. همچنین از برگ این گیاه، نیل استخراج می گردد و از این نظر در ردیف گیاهان مولد نیل قرار گرفته، که نیل خود در صنعت فراوانی دارد. (۳۶)

۲۴- از گیاهان مفید دیگر این منطقه می توان به راب، پترک* و هنگک (آنگوزه)** اشاره نمود که دارای مواد غذایی زیاد است و سکنه محلی از آنها استفاده می نمایند. نکته قابل توجه آنکه این نباتات به واسطه دارا بودن ویتامینهای مختلف، به حدی به حال اهالی منطقه مفیدند که باعث سلامت مصرف کنندگان می گردند. از این جهت، با اینکه ظاهراً مواد خوراکی کافی در بعضی نقاط در دسترس اهالی نمی باشد، مع ذلک اشخاص کهن سال بسیاری در بین آنها دیده می شود.^(۳۷) آنگوزه دارای خواص درمانی ضد تشنج و ضد کرم است و در رفع بیماریهای عصبی، دستگاه تنفس، اسپاسم حنجره و دستگاه هضم، آسم و رفع یبوست افراد مسن به کار می رود. همچنین از آنگوزه در دامپزشکی استفاده های زیادی به عمل می آید.

۲۵- از دیگر اشجار قیمتی جنگل های تنک منطقه، می توان به بادام کوهی، ارژن، سیاه چوب، تاگز و... اشاره نمود که چوب آنها برای کارهای مختلف صنعتی به کار می رود و استحکام و دوام بعضی از آنها به حدی است که به جای آهن نیز مصرف می شوند.

میوه بادام کوهی، چون طعم آن قدری تلخ است، مردم بومی ابتدا تلخی آن را گرفته و سپس مصرف می نمایند.

۲۶- کارون یا کاروم رنگی:*** درختی است با نام محلی "بیدام" که از نام فارسی بادام هندی گرفته شده است و ارتفاع آن به حدود ۲۵ متر می رسد. شاخه های آن به سرو ژاپنی شباهت دارد و میوه ای شبیه به بادام، ولی درشت تر دارد که وقتی می رسد، طعم آن به هلو می ماند. هسته خوشمزه ای دارد و پوست میوه رسیده، به رنگ عنابی است و از آن در رنگرزی می توان استفاده کرد.^(۳۸)

قسمتهای دارویی این گیاه بیشتر میوه، دانه، پوست، ریشه، ساقه، برگ و شیرۀ حاصله از آن است. میوه گیاه اثر قابض دارد و در نارسایبهای هضمی منشاء صفرآ، که با تلخی دهان و یبوست همراه باشد، مورد استفاده قرار می گیرد. از مغز دانه گیاه، روغنی به دست می آید که می تواند جانشین روغن بادام گردد.

* - Paterk

*** - Ferula assafcetida

** - Terminalia catappa

۲۷- بارهنگ: * گیاهی است با نام محلی "رانیچ"؛ این گیاه یکساله، کوچک، بدون ساقه یا دارای ساقه بسیار کوتاه و پوشیده از تارهای نرم است. برگهای باریک و دراز و نوک تیز، با کناره صاف دارد و گل‌های آن به صورت سنبله‌های استوانه‌ای یا تقریباً مدور ظاهر می‌شود. دانه گیاه دارای اثر نرم‌کننده و رفع التهاب است. در درمان و رفع اختلالات صفراوی دستگاه هاضمه مؤثر واقع می‌گردد. با وارد کردن دانه گیاه در آب، ضماد خوبی با اثر نرم‌کننده تهیه می‌شود.

۲۸- یکی دیگر از درختان منطقه "بنه یا پسته کوهی"^(۳۹) است که مقوی و دارای مواد غذایی می‌باشد و کوبیده آن را با خرما مخلوط نموده و یک نوع شیرینی خوشمزه، درست می‌کنند. میوه بنه که به اندازه یک نخود می‌باشد، معطر و روغنی است و از نوعی بنه، سقز تلخ استخراج می‌شود.^(۴۰) درخت پسته اهلی این گونه، گیاهی به شمار می‌رود که محصول آن به مراتب مرغوبتر و بیشتر از نوع کوهی آن است.

از اندام‌های مختلف درخت بنه برای تعلیف دام و همچنین سوخت هیزومی و ساختن خانه (به لحاظ داشتن چوب محکم) استفاده می‌شود و می‌توان نئوپان سخت و محکمی از آن تولید کرد. ذغال چوب آن بسیار خوب و ماندگار است.

۲۹- ختمی وحشی: * گیاهی است علفی، پایا و دارای ساقه‌ای به ارتفاع ۵/۵ تا ۱/۵ متر و پوشیده از کرکهای نرم، که ریشه‌ای دراز و دوکی شکل، به ضخامت انگشت و به رنگ خاکستری مایل به زرد دارد.

با آنکه ختمی، گیاهی دارویی است؛ اما به عنوان یک گیاه زینتی بیشتر مورد توجه مردم قرار گرفته است. از پرورش آن نمونه‌هایی با گل‌های درشت‌تر به رنگ‌های متفاوت به دست آورده‌اند. ختمی به علت دارا بودن گل‌های درشت و زیبا، مورد توجه زنبور عسل است و در ردیف گیاهان مهم مولد نوش قرار دارد.

قسمت مورد استفاده این گیاه، ریشه، گل و برگ آن است. گل ختمی اثر رفع تحریکات جلدی و نرم‌کننده داشته و در مداوای بیماری‌های سینه، سرفه رگلودرد به کار می‌رود. از گل ختمی در رفع

ورم ملتحمه نیز استفاده می‌شود. برگ ختمی دارای موسیلاژ فراوان و اثر نرم‌کننده در مصارف داخلی است. در استعمال خارجی به صورت ضماد از آن استفاده می‌کنند. از جوشانده برگ ختمی در شستشو، لوسیون کمپرس گرم، غرغره و... در موارد مختلف استفاده می‌شود. ریشه ختمی نیز اختصاصاتی شبیه برگ و گل آن داشته و از آن با عنوان نرم‌کننده، رفع‌کننده تحریکات جلدی، آرام‌کننده و غیره استفاده می‌کنند. مصرف ریشه ختمی در تمام موارد التهاب، سرفه‌های شدید، آنژین، برونشیت، دل‌پیچه و... توصیه شده است. برای تسریع دندان‌بندی اطفال، از ریشه خشک ختمی به صورت جویدن استفاده می‌شود؛ این عمل در بین غالب مردم نواحی مختلف معمول است. (۴۱)

۳۰- مانگرو یا حَزَّاء: این درختان که بیشتر در سواحل دریای عمان و به ویژه خلیج گواتر و مصب رودخانه باهوکلالت... مشاهده می‌شوند، از گونه بومی ایران؛ یعنی "آویسنیامارینا" هستند که ارتفاع آنها ۹-۶ است و در برخی از کشورها به حدود ۲۱ متر هم می‌رسد. ابوعلی سینا که مطالعات گسترده‌ای در خصوص فلور ایران انجام داده، نام "حَزَّاء" را به این گیاه داده است. این درختان اصولاً بر روی رسوبات نرم و ریزدانه سواحل، مصب رودخانه‌ها و مردابهای ساحلی، که تحت تأثیر جریانهای جزر و مدی قرار دارند، به رشد و نمو می‌پردازند و ارتباط مستقیمی با دو عامل توپوگرافی و دامنه نوسانات جزر و مد در هر منطقه دارد. (۴۲)

مانگروها نقشی اساسی و پویا در تجمع و تثبیت گلهای ساحلی بازی می‌کنند. مانگروهای تشکیل شده در مردابهای ساحلی و مصب رودخانه‌ها، نه تنها باعث انباشته شدن رسوبات تخریبی دانه‌ریز می‌شوند؛ بلکه این رسوبات را در مقابل فرسایش حفظ می‌کنند، ولی امواج شدید نیز از توسعه مانگروها جلوگیری کرده و موجبات فرسایش رسوبهای نرم را فراهم می‌سازند. درختان مانگرو به عنوان موج‌شکن نیز عمل می‌کنند و مساکن و تأسیسات واقع در سواحل را در مقابل امواج مصون نگه می‌دارند. (۴۳)

درختان حَزَّاء که بیشتر بین عرضهای ۳۵ درجه شمالی و ۳۷ درجه جنوبی، خوب رشد می‌کنند، نیاز به خاکهای ماسه‌ای، سیلتی، رسی، مواد آلی و دیگر خاکهای ریزدانه دارند.

مانگروها که در حد میانه آبهای شور و شیرین قرار دارند، آب شور دریا را شیرین و از آن تغذیه می‌کنند. بنابراین قسمتهایی که آب شور و شیرین در تبادل با یکدیگر باشند، جنگل‌های مانگرو به خوبی رشد می‌کنند. یکی از اثرات مد دریا، ذخیره نمک در لایه‌های بالایی خاک است؛ به همین لحاظ مدت‌زمان جزر و مد در شبانه‌روز برای رشد این گیاهان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مانگرو قادر است نمکی را که وارد بافت‌هایش می‌شود، دفع کند. اندام‌های تنفسی درختان مانگرو که خود را بالاتر از سطح زمین نگه می‌دارند، ریشه‌های هوایی هستند که به‌طور اساسی از کیسه‌های هوایی تشکیل شده‌اند و به مثابه مخزن‌های پر از اکسیژن، که در بین سلول‌ها قرار دارند، عمل می‌کنند. آنها اکسیژن هوا را می‌گیرند و داخل لجن یا خاک می‌فرستند؛ به عبارت دیگر یک سیستم تهویه برای خود می‌سازند. این جوامع گیاهی، شرایط آب و هوایی گرم را که میانگین دما بیش از ۱۹ درجه سانتیگراد باشد، می‌پسندد. جنگلهای حَرّا به دلیل دارا بودن منابع غذایی حیوانی و گیاهی، مورد بهره‌برداری زیادی قرار می‌گیرند. در نیمه دوم قرن بیستم، انسان با بهره‌برداری و استفاده بی‌رویه از این جنگل‌ها برای تهیه خمیر کاغذ، سوخت هیزم، خوراک دام، تهیه ذغال و... موجبات تخریب برخی از این جنگل‌ها را فراهم ساخت. به‌طور کلی، انسان دشمن عمده درختان حَرّا به‌شمار می‌رود. امروزه از جنگل‌های حَرّا، علاوه بر تهیه سوخت و خوراک دام، استفاده‌های زیادی به عمل می‌آید.

پوست مانگرو ماده‌ریزی دارد که بیماری جذام را در حالت اولیه مداوم می‌کند. مانگروها در اواخر تیر و اواسط مرداد؛ به گل می‌نشینند و میوه‌ای شیرین و خوشمزه دارند. گل مانگرو زرد روشن است و برگ آن، علاوه بر خوش‌خوراکی، دارای ارزش غذایی خوب و معادل جو و یونجه است. جنگلهای مانگرو به دلیل مساعد بودن شرایط محیطی، زیستگاه انبوهی از پرندگان مهاجری است که در فصول سرد در آن مسکن می‌گزینند. در سایر فصول، که پرندگان محل مناسبی برای زیست نمی‌یابند، به آنجا پناه می‌برند. پس از پرندگان آبی، آبچر و مهاجر، بعضی از خزندگان و ماهیها و حتی برخی از بندپایان و دو کف‌ایها، در زنجیره غذایی جنگلهای مانگرو شرکت دارند. جنگلهای مانگرو، اکوسیستمهایی را تشکیل می‌دهند که در ضمن این که حشرات، نرم‌تنان، ماهیها، انواع پرندگان و جانوران دیگر را در خود جای می‌دهند، از اهمیت ویژه اقتصادی و اکولوژیکی نیز برخوردار هستند. (۴۴)

۳۱- زول: گیاهی چند ساله به ارتفاع ۶۰-۳۰ سانتیمتر و دارای ریشه قهوه‌ای رنگ، با بوی هویج است و ریشه آن تا عمق دو متری زمین در خاک فرو می‌رود و چون تمام گیاه خاردار است، از این جهت با ظاهر کاملاً مشخص جلوه می‌کند. طعم ریشه آن در حالت تازه ملایم و کمی معطر است؛ ولی پس از خشک شدن بوی خود را از دست می‌دهد.

ریشه گیاه اثر مدر، اشتها آور و ملین دارد. در گذشته از آن جهت رفع بیماریهای سخت، مانند آب آوردن انساج بدن، زیادی اوره خون، عدم دفع ادرار، وجود سنگ و رسوبات ادراری در کلیه و مثانه، قولنج‌های کبدی، بیماری سل ریوی، بیماریهای پوستی و غیره استفاده می‌شده است. اعضای گیاه، به صورت جوشانده، باگرد آن و با شیر تازه آن، معمولاً برای درمان بیماریها مصرف می‌گردید، است. برگهای جوان گیاه، امروزه به حالت خام در سالاد مصرف می‌شود. (۴۵)

در پایان لازم به ذکر است که تنوع پوشش گیاهی در منطقه زیاد است، که در این مقاله صرفاً به تعدادی از آنها پرداخته شد و مطالعه سایر گیاهان، که مطالعات اساسی و گسترده‌ای را طلب می‌کنند، به نوشتاری دیگر موکول می‌شود.

نتیجه‌گیری

بزرگیهای اقلیمی منطقه باعث شده است که مجموعه‌ای از گیاهان سازگار با هوای گرم و خشک و گرم شرجی، که برخی مثمر و برخی غیر مثمر هستند، در اینجا مشاهده شوند. ناگفته نماند که کاربردهای اقتصادی، صنعتی و درمانی بسیاری از گیاهان، هنوز آن طور که شاید و باید، در منطقه رواج پیدا نکرده است و مردم آشنایی کافی با آن ندارند و فقط به استفاده از چند گیاه مثمر مثل خرما، مرکبات، موز و انبه و... اکتفا شده است و کاربردهای دارویی گیاهان هم، بیشتر بر اساس تجربه برای مردم بومی به دست آمده است.

امید است در آینده مطالعات بیشتری در این زمینه صورت گیرد و علاوه بر آشنایی مردم بومی با این کاربردها، رونق و گسترش اقتصادی آنها را نیز به همراه داشته باشد.

منابع و یادداشتها

- ۱- م. پ. پتروف: مشخصات جغرافیای طبیعی ایران، ترجمه ح. گل‌گلاب، انتشارات دهخدا، تهران، ۱۳۵۰، ص ۹۸.
- ۲- ودیعی، کاظم: مقدمه‌ای بر محیط‌شناسی، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۵۴، ص ۸۶.
- ۳- همان منبع، ص ۱۶.
- ۴- ثانی، حبیب‌الله: جنگل‌های ایران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۵۷، صص ۲۱-۱۹.
- ۵- همان منبع، صص ۲۱ و ۲۲.
- ۶- همان منبع، ص ۲۲.
- ۷- سازمان جنگلها و مراتع کشور: نشریه کلیاتی درباره جنگل و خاک- مرغ و خاک، ۱۳۶۳، ص ۱۰.
- ۸- رهنمایی، محمدتقی: توانهای محیطی ایران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۷۰، ص ۲۲۴.
- ۹- همان منبع، ص ۲۲۵.
- ۱۰- آی-آرفون: اصول زراعت در مناطق خشک، ترجمه دکتر عوض کوچکی و دکتر امین علیزاده، جلد اول، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۵، ص ۱۰۱.
- ۱۱- تونچدیلک، نجات: مبانی جغرافیای منطقه‌ای مناطق طبیعی، ترجمه منصور بدری‌فر، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۵، ص ۱۰۰.
- ۱۲- اصول زراعت در مناطق خشک، ص ۱۰۳.
- ۱۳- پورعطایی، مهدی: نواحی فیوزوگرافیک ایران، پراکنش جنگلهای ایران، مجله رشد جغرافیا، شماره ۱۲، ۱۳۶۶، ص ۶.
- ۱۴- بخش فیلم مستند به نام "یاد جنگل" در ساعت ۱۰/۲۰ صبح ۷۹/۸/۲۱ از شبکه اول سیمای جمهوری اسلامی ایران.
- ۱۵- افشار سیستانی، ایرج: نگاهی به سیستان و بلوچستان سرزمین آزادگان سخت‌کوش، نشر امین خضرای، تهران، شهریور ۱۳۶۳، ص ۲۱۲.

- ۱۶- موسوی نوکنده، سیدمرتضی: طرح مطالعات مدیریت منابع طبیعی حوزه سرگان، بخش جنگل، دانشکده کشاورزی زابل، ۱۳۷۷، ص ۳۸.
- ۱۷- شهریار، علیرضا: مطالعات مدیریت منابع جنگلی حوزه سرگان، بخش بهره برداری از محصولات فرعی جنگلی و مرتعی، دانشکده کشاورزی زابل، ۱۳۷۷، صص ۱۸-۱۶.
- ۱۸- اردلان، جمشید: چاهبار در نگاهی گذرا، وزارت کشاورزی، (معاونت طرح و برنامه)، ۱۳۶۷، ص ۷.
- ۱۹- نگاهی به سیستان و بلوچستان سرزمین آزادگان سخت کوش، ص ۲۲۱.
- ۲۰- طرح مطالعات مدیریت منابع طبیعی حوزه سرگان، بخش جنگل، صص ۳۹ و ۴۰.
- ۲۱- مطالعات مدیریت منابع جنگلی حوزه سرگان، ص ۳۰.
- ۲۲- طرح مطالعات مدیریت منابع طبیعی حوزه سرگان، ص ۴۴.
- ۲۳- همان منبع، ص ۲۴.
- ۲۴- مطالعات مدیریت منابع جنگلی حوزه سرگان، صص ۵۲ و ۵۳.
- ۲۵- چاهبار در نگاهی گذرا، ص ۴۳.
- ۲۶- نگاهی به سیستان و بلوچستان سرزمین آزادگان سخت کوش، ص ۲۲۲.
- ۲۷- مطالعات مدیریت منابع جنگلی حوزه سرگان، ص ۳۷.
- ۲۸- چاهبار در نگاهی گذرا، ص ۱۹.
- ۲۹- طرح مطالعات مدیریت منابع طبیعی حوزه سرگان، ص ۲۹.
- ۳۰- جنگلهای ایران، ص ۱۸۸.
- ۳۱- مطالعات مدیریت منابع جنگلی حوزه سرگان، ص ۲۶.
- ۳۲- طرح مطالعات منابع طبیعی حوزه سرگان، صص ۴۶ و ۴۷.
- ۳۳- مطالعات مدیریت منابع جنگلی حوزه سرگان، ص ۴۴.
- ۳۴- نگاهی به سیستان و بلوچستان سرزمین آزادگان سخت کوش، ص ۲۲۲.
- ۳۵- مطالعات مدیریت منابع جنگلی حوزه سرگان، ص ۵۸.
- ۳۶- همان منبع، ص ۴۹.

